

معنی وتر الموتر در زیارت عاشورا

سلام دیگر، به وتر موتر است؛ یعنی تنها شده. یک احتمال در این عبارت این است که شاید ناظر بر صحنه ای است که برای حضرت پیش آمده که واقعا او تنها مانده است. وقتی حضرت به کربلا آمد، به خاطر مکر یزید، هیچ کس برای حمایت حضرت نیامد و تنها شد. البته احتمالات دیگری هم هست: **السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ**، اینجا عناوین قطع می شود؛ السلام عليك، سلام بر خودت، سلام های قبلی شاید هر کدام با هم دیگر متفاوت باشد؛ ولی با این سلام، سلام دیگری است که به حضرت می رسد. سلام و سلامتی که به او می رسد، از ناحیه رسول خدا است. سلامی که از ناحیه ثار الله بودن و وتر بودن به او می رسد چون به تنهایی این بار را برداشت. واقعا هر روحی که بتواند، خودش را به سیدالشهدا برساند، مستحق سلام الهی است و سلام و برکات حق بر او نازل می شوند.

سلام ابدی بر اباعبدالله(ع)

عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعًا سَلَامٌ اللَّهُ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ بعد از این سلام ها می گوئیم، سلام خدا بر تو از ناحیه من. ابدًا و همیشه، تا شب و روز هست تا من هستم خدای متعال لطف کند و سلامش را از ناحیه من بر تو ابلاغ دارد.

سنگینی مصیبت اباعبدالله(ع)

یا ابا عبدالله! از اینجا مصیبت آغاز می شود: **يا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَ جَلَّتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْأَسْلَامِ**؛ اصیبت تو بر ما مصیبت عظیمی است. جلت و عظمت المصیبة، عظمت پیدا کرده مصیبت بر ما نه تنها بر ما بلکه بر تمام اهل اسلام. مصیبت تو بر همه آسمان ها سنگینی می کند. این ۲

فرزند پاک، در دامن پاک پرورش می یابد

اما چند سلام است که به حضرت تقدیم می کنیم: **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ ابْنَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ** شاید نکته اش این باشد که این شخصیت بزرگ در دامن این اولیا است که می تواند پرورش یابد. رابطه خاص هم بین امام حسین و این سه وجود مقدس وجود دارد. این رابطه غیر از رابطه ابوت و رابطه ظاهری است. در ماجرای حضرت عیسی(ع) خدای متعال می فرماید: چون مریم صدیقه پاک دامن بود، قابلیت داشت تا عیسی در دامن او پرورش پیدا کند. این طور نیست که هر دامنی شایسته پرورش هر فرزندی باشد. اگر بخواهد نسلی پاک باشد، باید از ریشه ها پاک باشد.

معنی ثارالله در زیارت عاشورا

اما دو تا سلام دیگر دارد: السلام عليك یا ثار الله؛ سلام بر تو ای خون خدا. بعضی ها فرمودند: ثار الله، یعنی کسی که خدا خون خواه اوست. خون خدا، یعنی خونی هیچ خونخواهی جز خدا ندارد. شاید معنی ثار الله بودن این باشد که هر رزقی و هر بهره ای به هر کجا و به هر کسی می رسد از برکت سید الشهداء و به واسطه سید الشهداءست.

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا

يُحْيِيكُمْ آن حیاتی که پیامبر و خدا به آن دعوت می کنند، غیر از این حیات ظاهری است. همه این حیات از سر انگشتان حضرت سید الشهداء است.



معنی فرزندی از نیت عاشورا



وَهَذَا يَوْمٌ فَرِحَتْ بِهِ آلُ زِيَادٍ وَ آلُ مَرْوَانَ بِقَتْلِهِمُ الْحُسَيْنَ
 صَلَّوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَنهَا امْرُوزَ رُوزِ شَادَى أَنهَاسْت. محتشم شعر
 معروفی دارد که گویا آن را ظاهراً با اشاره رسول گرامی اسلام گفته
 است. از حزن و اندوه از دست دادن فرزند به خواب می رود. رسول
 گرامی اسلام(ص) را در خواب می بیند که می فرماید: چرا برای
 حسین من شعر نمی گویی؟ می گوید: یا رسول الله! من نمی توانم
 شعر بگویم. بلد نیستم. حضرت می فرماید: بگو، باز این چه شورش
 است که در خلق عالم است. دنبالش را محتشم می گوید و محتشم
 می سراید: باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است؛ الخ.

عواطف شیعیان در عزاداری بر سیدالشهدا(ع)

شهادت سیدالشهدا عظمتی است که روح عالم را غصه دار کرد.
 ارواح بزرگ معصومین قبل از تولد این بزرگوار، غصه دار این
 مصیبت بودند. بنابراین، بحث وسعت، حشمت و شدت در این جا به
 میان می آید. این حادثه هم در کمال شدت و در نهایت وسعت و
 هم در بالاترین مرتبه عظمت است. مصیبت ما اعظمها و اعظم
 رضیتها فی الاسلام؛ همه با رفتن سید الشهدا، چیزی را از دست
 دادند. حتی اسلام از امامش محروم شده است.

عاطفه شیعه، بالغ ترین عاطفه در هستی است هیچ عاطفه ای به
 بلوغ عاطفه شیعه نمی رسد. برخلاف آنهایی که می گویند، شیعه
 عواطفش به بلوغ نرسیده. حال باید دید این گریه ها چه نتیجه ای
 دارد؟ این گریه ها چه برکاتی دارد.

ذکر مصیبت

حضرت علی اکبر(ع)

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامٌ
 اللَّهُ مَا يَقْبِثُ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ وَ لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكَ السَّلَامُ
 عَلَى الْحُسَيْنِ وَ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ



خدمت سیدالشهدا آمد اجازه گرفت. عازم میدان شد. سیدالشهدا
 محاسن سفیدش را در دست گرفته بود؛ دنبال علی حرکت می کرد
 و می گفت: خدایا خودت گواه باش؛ **اللَّهُمَّ أَشْهَدُ عَلَى هَؤُلَاءِ
 الْقَوْمِ، فَقَدْ بَرَزَ إِلَيْهِمْ غَلامٌ أَشْبَهَ النَّاسَ خَلْقاً وَخُلُقاً وَمَنْطِقاً**
برسولک محمد صلی الله علیه و آله خدایا! گویا تجسم پیامبر
 است، که به میدان می رود. خدایا! او برای من فقط فرزند نبود. هر
 گاه مشتاق پیامبرت می شدیم قد و بالایش را تماشا می کردیم.
 در میدان جنگ نمایانی کرد. نه توان جنگیدن دارد، نه می تواند
 بماند و نه راه رفتن به روی او باز است.

در خاطرات یکی از مادران فرمانده های جبهه خواندم: فرزندش
 آمد، روی سجاده من نشست، دو رکعت نماز خواند و گفت: مادر،
 من دعایی می کنم تو زیر لب آمین بگو. دعا کرد، آمین گفتم. بعد
 گفت: میدانی چه دعایی کردم؟ دعا کردم که خدا شهادت را نصیب
 کند؛ چون می دانستم این سال هایی که من به جبهه رفتم؛ سالم
 برگشتم، به دلیل این بود که تو راضی نبودی. خواستم تو دعا کنی
 تا زمینه شهادت من باز شود.

به سید الشهدا عرض کرد: پدر تشنگی مرا از پای در آورده. سنگینی
 اسلحه، من را خسته کرده. اگر اجازه دهید من بروم. سید الشهدا
 چه کرد؟ ابتدا فرمود: عزیزم! زبانت را در دهانم بگذار. ولی دید بابا
 هم تشنه تر است. بر ابا عبدالله چه گذشت؟ به او فرمود: عزیزم! برو
 برو! انشاء الله از دست جدت سیرآب می شوی.

ولی وقتی آمد بالای سر جوانش، ابتدا خون ها را از دهانش پاک
 کرد. مرحوم سید بن طاوس می نویسد هنوز نفسی داشت و خون
 ها را پاک کرد. خاک ها را پاک کرد. خم شد صورت به صورت
 جوانش گذاشت. فرمود: **عَلَى الدنیا بعدک العفا فقد استرحت
 من همّ الدنیا وغمّها وشدائدّها، وقد بقى أبوک وحیداً فریداً.**
 بحار الأنوار، مجلسی، ج ۹۸، ص ۲۹۳ .

منبع: <https://hawzah.net/fa/Lecture/View/76005/>